

شاعران ایرانی نژاد مدفون در مزار الشعراي کشمير

کشمير به علت زيبايبه‌هاي فطري و شباھتي و مماثلتي که با سرزمين ايران دارد، مورد توجه بسياري از صوفيان و شعرا و مبلغان ايراني قرار گرفته است. عده دانشمندان و نويسندگان ايراني که از مناطق مختلف ايران به سوي آن سرزمين دلکش و زيبا کشانده شده‌اند، بسيار است. از ميان آنها بسياري هستند که کشمير را براي استقرار دايمي خود برگزيده بودند. طبيعي ست که آنها در همان جا زندگي را بدرود گفتند و در همان جا به خاک سپرده شدند. بر سر مرقده‌هاي بعضي از آنها عمارات رفيع به عنوان يادگار تاسيس شده است. از ميان آنها آرامگاه محمدامين اويسي (منطقي) در محله اويسي، سيد کمال الدين در محله سيد کمال، سيد محمد کرمانی در مقبره گنج بخش، سيد حسين خوارزمي در محله منوار (منور آباد)، سيد حسين سمناني در دهکده کولگام، مرزا کمال الدين بدخشي در محله علم گري، مير الهی همدانی در مزار بهاءالدين گنج بخش معروف هستند.

در شهر سريناگر - پاي‌تخت کشمير کوهي معروف است، مسلمانان کشمير آن را کوه سليمان گويند و اهل هنود آن را به نام شتکر آچاريا ياد مي کنند - در دامن آن محله اي آباد است بنام درگجن، در محله مزبور محلي ست به نام مزارالشعرا. اين مقبره آخرين قرارگاه شش نفر شاعران سرشناس ايراني نژاد مي باشد که در اوقات مختلف در دوران حکومت مغولان گورکاني هند در کشمير اقامت گزیدند. در آن جا توطن اختيار نمودند، و در همان جا درگذشتند، در آن جا مدفون شدند.

اسامي شاعراني که در مزار الشعراي کشمير مدفون هستند، بدین قرار است:

- ۱- حکيم مسيح الزمان ابوالفتح گيلاني (متوفى ۹۹۵ هـ)؛ ۲- حاج محمدجان قدسي مشهدي (متوفى ۱۰۵۵ هـ)؛ ۳- محمدقلي سليم تهراني (متوفى ۱۰۵۷ هـ)؛ ۴- ميرزا ابوطالب کلیم کاشاني (متوفى ۱۰۶۱ یا ۱۰۶۲ هـ)؛ ۵- ملا طغراي مشهدي متخلص به شيفته و طغرا؛ ۶- قاضی ابوالقاسم مشهور به قاضی زاده.

ابوالفتح گيلاني: اين مزار را پادشاه هند اکبر شاه گورکاني برای مدفن حکيم ابوالفتح گيلاني در محله درگجن، بر فراز تپه ای و در کنار تال دل تأسيس نمود- اولین کسی که در مزار الشعراي کشمير مدفون شد، ابوالفتح گيلاني بود. او یکی از رجال و شاعران نامدار دربار اکبر شاه گورکاني بود. اکبر شاه هنگامی که در سال ۹۹۵ هجری قمری برای سیاحت عازم کشمير شد، ابوالفتح به همراهی او به کشمير رفت. اما او ناگهان در آنجا قضا کرد. سال وصال او در تاریخ حسن ۹۹۵ هجری درج است. در مدح میرا ابوالفتح شاعر نامدار دیگر دربار اکبری که ممدوح عرفی شیرازی نیز بوده قصیده ای نوشته است. اینک بیت زیر از آن قصیده که در تاریخ حسن نقل شده است:

میر ابوالفتح آن که لوح دانشش بر سر افهام و اذهان دیگر است
ابوالفتح شعر می سرود. در نثر هم مهارت داشت، درباره طب کتابی به نام دارالشفای
تصنیفات اوست.^۴

بر روی مرقد ابوالفتح سنگی بزرگ با کتیبه ای به زبان عربی و فارسی موجود است که تا روزگاران ما باقی مانده است. ولی این کتیبه خوانا نیست. زیرا اکثر حروف آن با مرور زمان شکسته و خراب شده اند.

حاج محمدجان قدسی مشهدي: مولد قدسی مشهد رضاست. در زمان پادشاهی شاهجهان پادشاه گورکاني هند به هندوستان رفت و تقرب آن پادشاه به دست آورد و آهسته آهسته به درجه والا رسید، حتی به منصب ملک الشعرايی فایز گشت.^۵ بر طبق روایت پادشاه نامه وفات قدسی در دارالسلطنت لاهور در سال ۱۰۵۶/۱۰۵۷ هـ اتفاق افتاد.^۶ اما مصنف واقعات کشمير می نویسد که قدسی در آخر عمر رهسپار کشمير شد و در همان جا توطن اختیار نمود.^۷ و در سال ۱۰۵۵ هـ در همان جا فوت کرد^۸ و در مزار الشعرا مدفون گردید.^۹

عنی کشمیری که معاصر قدسی و کلیم کاشانی بود، در مرثیه کلیم می گوید:

عمرها در یاد او، زیر زمین خاک بر سر کرد، قدسی و سلیم

عاقبت از اشتیاق یکدیگر گشته اند، این هر سه در یک جا مقیم*^{۱۰} در حالی که در تذکره نصر آبادی درج است که قدسی در لاهور وفات یافت و جسدش را به مشهد بردند. از ابیات مندرج فوق بر می آید که قدسی، کلیم، و سلیم هر سه در یک جا مدفون هستند. و این وقتی ممکن است که جسد قدسی را از لاهور به کشمیر برده باشند. قدسی در شعر و سخن تبخّر به دست آورده بود. در صنف غزل، قصیده، و مثنوی گوی سبقت از اقران خود ربوده بود. صاحب دیوان است.^{۱۱} در توصیف کشمیر مثنوی دارد. قدسی در آخر عمر، تاریخ روزگار شاهجهان پادشاه را نیز به نظم در آورد ولی این مثنوی به علت وفاتش ناتمام ماند و فقط از زایش شاهجهان تا دهمین سال پادشاهی او را احاطه می کند. اما بعد از وفات قدسی کار او را ابوطالب کلیم کاشانی دنبال کرد. نمونه غزل قدسی:

نگهت عشوه گر و عربده ساز است هنوز چشم مخمور تو سر فتنه ناز است هنوز
تازه شد دولتی، به خط تازه تو ناز کن ناز که آغاز نیاز است هنوز
خاک شد پیکر محمود ز تأثیر وفا دل او در شکن زلف ایاز است هنوز
راه نزدیک حرم سعی مرا باطل کرد لیک شادم که ره عشق دراز است هنوز
گرچه نبود سر موی ز حقیقت خالی دل قدسی ز پی عشق مجاز است هنوز^{۱۲}

محمدقلی سلیم تهرانی: وی در زمان شاهجهان، پنجمین پادشاه گورکانی، از ایران به هند مهاجرت نمود و به دربار او پیوست. وقتی که اسلام خان وزیر شاهجهان به سمت استانداری کشمیر گماشته شد، به همراهی او به کشمیر رفت و در همان جا ماند، در سال ۱۰۵۷ هـ زندگی را بدرود گفت و در مزار الشعراي کشمیر^{۱۳} در پهلوی قدسی مشهدی مدفون شد.

در تذکره حسینی آمده است که دیوان سلیم تقریباً بیست هزار بیت بوده است.^{۱۴} او مثنوی قضا و قدر را نیز سروده است. در توصیف کشمیر مثنوی نیز از او یادگار مانده است. نمونه ای از غزلیات اوست:

گدای کوی تو خراباتم و غم این است که باده آتش سوزان و کاسه چوبین است^{۱۵}

دل چو شد گرم زمی جلوه معشوق کند ماهی موم به آتش چورسد آب شود^{۱۶}
ابوطالب کلیم: ابوطالب در همدان متولد شد، اما در کاشان زیسته، در تذکره نصر آبادی آمده است: «اصلش از همدان است اما چون در کاشان بسیار بوده به کاشی

* ضبط تمام ابیات در این مقاله بر اساس نسخه های خطی است.

شهرت دارد. چنانچه خود گفت:

زنهار مگوئید (کلیم) از همدان نیست.^{۱۷}

او نیز مانند شاعران و نویسندگان دیگر ایرانی به خاطر این که مغولان گورکانی هند شعر دوست بودند و سخنوران فارسی را به انعام و جوایز سرافراز می ساختند، به هند مهاجرت نمود. در وهله اول به جنوب هند (دکن) رفت. بعداً به دربار شاهجهان پادشاه گورکانی پیوست. در آخر عمر به کشمیر رفت و با خاطر جمع پادشاهنامه را که شامل احوال شاهجهان پادشاه است، به رشته شعر درآورد. او در کشمیر با ملاطاهر غنی، شاعر نامدار کشمیر معرفی شد و با مرور زمان میان هر دو روابط دوستانه و صمیمانه برقرار گردید. کلیم در سال ۱۰۶۱ هجری قمری در کشمیر درگذشت و او را در مزارالشعرا به خاک سپردند. غنی کشمیری در مرثیه او می گوید:

حیف کز دیوار این گلشن پرید طالبان بلبل باغ نعیم
رفت و آخر خامه را از دست داد بی عصا طی کرد این ره را کلیم
اشک حسرت چون نمی ریزد قلم شد سخن از مردن طالب یتیم
هر دو از شوقش دل اهل سخن چون زبان خامه می گردد دو نیم
عمرها در یاد او زیر زمین خاک بر سر کرد قدسی و سلیم
عاقبت از اشتیاق یکدیگر گشته اند این هر سه در یک جا مقیم
گفت تاریخ وفات او غنی «طور معنی بود روشن از کلیم»^{۱۸}

کلیم کلیات فارسی از خود باقی گذاشته است.^{۱۹} دیوان اشعار فارسی او چند بار چاپ خورده است.^{۲۰} مجمل عالمگیری^{۲۱} را به نثر ساده و روان نوشته است که درباره تولد و رزمها و بزمهای شاهجهان پادشاه می باشد. در توصیف کشمیر مثنوی مختصری نیز دارد.

ملا طغرای مشهدی: مولدش مشهد رضوی بود. از ایران به سرزمین هند مهاجرت نمود و به دربار شاهزاده مراد بخش منسلک گردید. در مدح او قصیده غراً دارد. او در این قصیده معدوح را بسیار ستوده است:

دارای عرش کوکبه سلطان مرادبخش زینت فزای کرسی و اورنگ آسمان^{۲۲}
طغرا بعداً به میرزا ابوالقاسم که به سمت دیوانی گماشته شده بود، پیوست. چندی بعد طغرا به دعوت او به کشمیر رفت و در محله نایدیار، پای همت در دامن عزلت کشید. رحلت او در میان سالهای ۱۰۶۸ و ۱۰۷۸ هـ در کشمیر به وقوع پیوست و در مزارالشعرا مدفون گشت.

طغرا در نثر و نظم مهارت کامل به دست آورده بود؛ در شعر و سخن «شیفته» و

«طغرا» تخلص می کرد. در نثر فنی مهارتی به سزا داشت. تصنیفات متعدد از خود باقی گذاشته است. اکثر تصنیفات او به صورت نسخه های خطی در کتابخانه های معروف محفوظ هستند بعضی از آثار او بدین قرار است:

۱- جوش بلبل - دیباچه معیارالادراک. در تعریف و بیان حقایق شعری و روحانی سروده های حافظ؛^{۲۳} ۲- الهامیه - در نثر آمیخته به نظم، کتاب عرفانی و بیشتر به زندگی خود طغرا مربوط است؛^{۲۴} ۳- انوار المشارق - نثر آمیخته به نظم؛^{۲۵} ۴- تاج المدایح - در ستایش مراد بخش پسر شاهجهان پادشاه، به نثر فارسی آمیخته به نظم؛^{۲۶} ۵- تجلیات - در وصف کشمیر و ستایش از میرحسین سبزواری، در نثر آمیخته به نظم؛^{۲۷} ۶- تذکرة الاتقیاء یا تذکرة الاحباب - در ستایش دوازده تن از معاصران مصنف.^{۲۸} ۷- تحقیقات - در وصف آسمان، ستارگان، و ماه، در نثر آمیخته به نظم؛ ۸- تسولات - در ذکر اصطلاحاتی که در موسیقی به کار می روند، به نثر و نظم؛^{۲۹} ۹- تعداد النوادر - در وصف کشمیر و هشت منزل راه آن؛ ۱۰- جلوسیه - درباره تاجگذاری اورنگ زیب؛ ۱۱- آشوب نامه یا هفت آشوب - دیباچه ای که بر سبعة زلالی خوانساری نوشته است.

کتابهای زیر نیز به نام او در فهرست مشترک، جلد ۱۰ ص ۱۷۴ مندرج است:

۱- پریخانه، در وصف شاه عباس دوم؛^۲ ۲- چشمه فیض، نامه هایی ست تاریخی از ۶۶ تن؛^۳ ۳- ضیافت معنوی، در وصف قحط در دکن؛^۴ ۴- کنز المعانی، در وصف شاه شجاع؛^۵ ۵- سیمین ورق؛^۶ ۶- فردوسیه، در وصف کشمیر؛^۷ ۷- مرآت الفتوح؛^۸ ۸- مجمع الغرایب؛^۹ ۹- مرتفعات.

قاضی ابوالقاسم: او از اولادان قاضی شریح بود و بدین مناسبت به اسم قاضی زاده شهرت داشت. قاضی در زمان پادشاهی شاهجهان به سمت دیوانی کشمیر برگزیده شد. طبعش موزون بود و در نثر نیز مهارت داشت. سد قاضی زاده تأسیس کرده اوست.^{۳۰} او تا آخر عمر در کشمیر ماند. چون قضا کرد، در مزارالشعرا به خاک سپرده شد. بیت زیر از اوست:

خالی از ذکر تو عضوی چه حکایت باشد سر مویی به غلط در همه اندام نیست^{۳۱}

وضعیت مزارالشعرای کشمیر در حال حاضر بسیار وخیم است و نیاز به تعمیر و اصلاح دارد. ولی متأسفانه کسی به تجدید تعمیر یا بازسازی آن التفات نمی کند. با آن که آرامگاههای این شاعران گرامی قدر را مردم کشمیر در حدود سه قرن گذشته محفوظ نگه داشته اند، اگر اقداماتی برای تعمیر و تجدید بنای این اثر تاریخی و منبع میراث

فرهنگی به عمل آورده نشود، ديگر نسلهاي آينده نوع انساني ما را حتماً نخواهند بخشيد.
بخش تخصصي زبان فارسي
دانشگاه کشمير، سريناگر، هندوستان

پانويسها:

- ۱- در فهرست کتابخانه‌ي ذاكر حسين جامعیه مليه، سال وفات حاج محمد جان قدسي ۱۰۵۶ هـ و مدفنيش لاهور درج است.
- ۲- پير غلام حسن كهويهامي، تاريخ حسن، جلد ۴، ص ۵-۶، انتشارات اداره تحقيق و اشاعت استان جامو و کشمير، سريناگر، ۱۹۶۰ ميلادي.
- ۳- همان.
- ۴- فهرست نسخه هاي كتابخانه هرديال، ص ۲۰، انتشارات مركز تحقيقات فارسي رايزني فرهنگي. ا.ج. ايران، دهلي نو.
- ۵- محمد اعظم ديدمري، واقعات کشمير، ترجمه اردو؛ پير غلام حسن كهويهامي تذكرة اولياي کشمير، ترجمه اردو، ص ۵۴۳.
- ۶- حسام الدين راشدي- تذكرة شعراي کشمير، جلد ۳، ص ۱۲۳۷.
- ۷- محمد اعظم ديدمري، واقعات کشمير.
- ۸- حسام الدين راشدي، تذكرة شعراي کشمير، ص ۱۲۳۷.
- ۹- همان ص ۱۲۶۰ (به حواله تذكرة حسيني).
- ۱۰- ملا طاهر غني کشميري- ديوان غني، ص ۲۴۹، انتشارات فرهنگستان زبان و هنر کشمير.
- ۱۱- نسخه هاي خطي ديوان قدسي در كتابخانه هاي مختلف مضبوط است. يك نسخه ديوان مزبور در كتابخانه جامعیه مليه اسلاميه به شماره ۵۹۳ و ديگري در آرشيو پتياله به شماره ۲۵۳ مضبوط است. نيز ن.ك. مشترك = ۷: ۸۵۹؛ سالار، ۱۰: ۱۷۵، ۵؛ ۱۳۸-۱۳۹، بنارس ۴۸، حبيب گنج ۱: ۱۵۹.
- ۱۲- محمد اعظم ديدمري، واقعات کشمير ترجمه اردو، ص ۳۱۵.
- ۱۳- نظر صاحب تذكرة شعراي کشمير درباره مزار شعراي کشمير كه اكنون از مقبره الشعراء هيچ نشاني باقي نمانده است، صحيح نيست زيرا اين مقبره هنوز كه هنوز است باقي مانده و اما خراب شده است.
- ۱۴- دو نسخه خطي ديوان سليم در كتابخانه عمومي و آرشيو پتياله به شماره ۲۴۱ و ۳۵۲ مضبوط است. ن.ك. فهرست نسخه هاي خطي كتابخانه آرشيو، ص ۱۱۶.
- ۱۵- پير غلام حسن كهويهامي، تاريخ حسن، جلد ۴، ص ۱۳.
- ۱۶- همان.
- ۱۷- حسام الدين راشدي، تذكرة شعراي کشمير، جلد ۳، ص ۱۳۵۲.
- ۱۸- ملا طاهر غني کشميري، ديوان غني، به ترتيب محمد امين داراب، ص ۲۴۹، انتشارات فرهنگستان هنر و زبانها، سريناگر، ۱۹۸۴.
- ۱۹- يك نسخه قلمي از كليات كلیم به شماره ۳۰۹ در كتابخانه عمومي پتياله نگهداري مي شود. ن.ك. فهرست نسخه هاي خطي كتابخانه عمومي و آرشيو پتياله، ص ۱۳۳؛ انتشارات رايزني فرهنگي، ا.ج. ايران، دهلي نو ۱۳۷۷ هـ. ش.
- ۲۰- ديوان كلیم در كتابخانه جامعیه همدرد، به شماره ۸۴۸ مضبوط است. نيز ن.ك. مشترك ۸۷۳؛ حبيب گنج ۱:

۱۶۵-۱۶۶؛ سالار، ۱۳۹:۵.

۲۱- نسخه های خطی مجمل عالمگیری در کتابخانه انجمن ترقی اردو به شماره های ۳۴۵ و ۳۴۶ مضبوط است.
ن.ک. فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه انجمن ترقی اردو، ص ۱۳۰، انتشارات راینی فرهنگی، ۱- ج ایران،
دهلی.

۲۲- پیر غلام حسن کهویهامی، تاریخ حسن، جلد ۴، ص ۱۳.

۲۳- فهرست کتابخانه جامعه همدرد، ص ۲۵۵، انتشارات مرکز تحقیقات راینی فرهنگی، ۱، ج، ایران، دهلی

نو.

۲۴- همان، ص ۱۹۳.

۲۵- همان، ص ۹۲.

۲۶- همان.

۲۷- همان.

۲۸- همان، ۱۹۴.

۲۹- همان.

۳۰- سد ناویوره هنوز هم به اسم سید قاضی زاده شهرت دارد. ن.ک. تحفة الفقرا، محمد مراد تنگ، ص ۹۵؛

تذکره اولیای کشمیر، ص ۱۳۳.

۳۱- پیر غلام حسن کهویهامی، تاریخ حسن، جلد ۴، ص ۱۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی